وطن ویرانه

شرق: «خیابان کاتالین» نام رمانی است از ماکدا سابو. نویسنده معاصر مجارستانی، که مدتی پیش با ترجمه نصراله مرادیانی در نشر بیدگل منتشر شده بود و اخیراً چاپ سوم آن در همین نشر منتشر شده است. این رمان اولین‌بار در سال ۱۹۶۹ در مجارستان به چاپ رسید و پس از آنکه به زبان‌های دیگر ترجمه شد مورد اقبال گسترده‌ای قرار گرفت. «خیابان کاتالین» در سال ۲۰۰۷ برنده جایزه «سو» بهترین رمان اروپایی شد و در سال ۲۰۱۸ نیز برنده جایزه ترجمه بین‌المللی شد.

در «خیابان کاتالین»، روایتی از روابط انسانی در تصویری بزرگ به دست داده شده و سرنوشت سه خانواده که زمانی در خیابان کاتالین در شهر بودابست همسایه هم بودند در طول سه دهه بحرانی تاریخی به تصویر کشیده شده است. مجارستان، مثل بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی، در نیمه نخست قرن بیستم دورانی همراه با آشوب و جنگ و نفرت پشت سر گذاشت. در این زمان، با تصویری از وطنی که ویران شده روبه‌رو هستیم. رمان این‌طور آغاز می‌شود: «هیچ کدام به آپارتمان جدید نه عادت کرده بودند نه به دلشان نشسته بود. مثل خیلی چیزهای دیگر، فقط با آن کنار آمده بودند. آنجا جایی بود که در برابر باران و گرمای آفتاب از آنها محافظت می‌کرد، و نه بیش از آن: مثل یک غار. گریم کمی امن‌تر از غار، با وجود تلاش طاقت‌فرسای خانم الکش برای تمیز نگه‌داشتن خانه، یک چیز بی‌مبالاتی در همه جای خانه به چشم می‌خورد. خودش به طرز ناامیدکننده‌ای شلخته بود و هرگونه نظم یا آرامشی که احیاناً در خانه برقرار می‌کرد دوام چندانی نمی‌آورد و در اثر نیرویی غریب که همه‌جا دنبالش بود در عرض چند دقیقه نیست و نابود می‌شود».

ماکدا سابو، از نویسندگان شناخته‌شده قرن بیستم مجارستان است که در این اثرش روایتی از سه دهه پرتلاطم و پرتنش تاریخ مجارستان در قرن بیستم به دست داده است. مترجم کتاب درباره شیوه روایت این اثر و پیوندش با تاریخ نوشته: «اتفاق‌هایی که برای شخصیت‌ها می‌افتد و مناسبات آنها در روایتی پیچیده برای ما نقل می‌شود. از درنظرگرفتن تاریخی که این اتفاق‌ها در آن می‌افتد و بستری که شخصیت‌ها در آن شکل می‌گیرند، می‌توان گفت فرم رمان با محتوای آن سازگار است. روایت رمان بر اساس تاریخ خطی پیش نمی‌رود و خواننده همراه با تجارب متفاوت شخصیت‌ها در این روایت پیچیده همزمان با مکان‌ها و جاهای متفاوتی مواجه می‌شود. در این رمان با تصویری درخشان از مناسبات خانوادگی در دورانی آشوب‌زده و تیره‌وتار روبه‌رو می‌شویم و روایت رمان، رابطه زبان و حافظه را به گونه قابل توجهی نشان می‌دهد. سرنوشت آدم‌های سه خانواده‌ای که در این رمان به آنها پرداخته شده با سرنوشت سیاسی و تاریخی شهرشان پیوند خورده است. اتفاقی بیرون از اراده آدم‌ها زندگی‌شان را دچاره کرده و آنها با کدشتی‌های غیرقابل بازگشت روبه‌رو هستند. اینها همه در روایتی غیرخطی به تصویر درآمده است. ماکدا سابو شاهد مستقیم تحولات سیاسی سال‌های بحرانی سلطه فاشیسم بوده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «فرانید پیرشدن آدم‌ها به چیزی که رمان‌ها یا کتاب‌های پزشکی درباره پیرشدن می‌گویند ربط چندانی ندارد. نه هیچ اثر ادبی نه هیچ دکتری آن نور روشنایی‌بخش را به ساکنان سابق خیابان کاتالین نبخشیده بود که باید بود در سنین پیری بر گذشته‌شان بتابد. نوری که دهلیز را و محوی را که در دهه‌های گذشته زندگی‌شان از آن گذر کرده بودند روشن می‌کرد. نوری که به خاطره‌ها و ترس‌هایشان شکلی تازه می‌بخشید و به این ترتیب داوری‌های اخلاقی و نظام ارزشی‌شان را زیروزبر می‌ساخت. آنها البته می‌دانستند که از دگرگونی‌های بیولوژیک گریزی نیست که بدن با همان دقت و ظرافتی که به یاری‌اش از لحظه لقاح خود را برای سفر پیش‌رو آماده می‌کند روند تباهی‌اش نیز آغاز می‌شود. آنها پذیرفته بودند که، به جز تغییر ذائقه، عادت‌ها و نیازهایشان، ظاهرشان نیز تغییر خواهد کرد و خواستن تحلیل خواهد رفت؛ اینکه شاید یا به سر کند یا کنار بد برخور شوند یا اشتهایشان را به کل از دست بدهند. اینکه تنبر وجودشان را فرابگیرد یا زودرنج و بدعتی شوند. آنها با مشکلات کوارشی بیشتر یا زودتر یا دیرتر کنار آمده بودند. مشکلاتی که، مثل خود زندگی، وقتی جوان بودند برایشان محلی از اعراب نداشت. اما هیچ‌کس به آنها نگفته بود که وحشتناک‌ترین چیز در مورد ازدست‌رفتن جوانی آن چیزهایی نیست که آدم از دست می‌دهد، بلکه آن چیزی است که به او داده می‌شود. نه خردمندی، و نه آسودگی. نه قوه تمیز بی‌عیب‌ونقص نه آرامش. بلکه فقط آگاهی از فروپاشی همگانی».

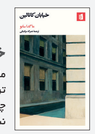

خیابان کاتالین
ماکدا سابو
ترجمه نصراله مرادیانی
چاپ سوم
نشر بیدگل

نماد شاعران درباری

شرق: عنصری، ملک‌الشعرای دربار غزنوی، به‌عنوان نماد شاعران درباری در تاریخ ادبیات ایران شناخته می‌شود و اهمیت او در سنت ادبی فارسی بیشتر از حیث تاریخی است. محمد دهقانی که چند سالی است مشغول نوشتن مجموعه «تاریخ و ادبیات ایران» است، یکی از کتاب‌های مربوط به عصر غزنوی را به عنصری اختصاص داده که این کتاب مدتی پیش در نشر نی منتشر شد. «ایوریحان بیرونی»، «ابن‌سینا»، «فرخی‌سیستانی»، «منوچهری» و «ناصرخسرو» دیگر چهره‌هایی هستند که در بخش مربوط به عصر غزنوی این مجموعه کتابی به آنها اختصاص داده شده است. روش کلی تدوین کتاب‌های این مجموعه در کتاب «عنصری» هم وجود دارد. دهقانی در این کتاب‌ها تلاش کرده تا با نگاهی تاریخی نشان دهد که شاعرهای دیبی ایران در چه بستر اجتماعی و تاریخی پدید آمده‌اند و درواقع در این مجموعه به همان اندازه که شاعران و نویسندگان قدیم ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند، مناسبات اجتماعی و تاریخی زمانه‌شان هم مورد توجه بوده است.

دهقانی در ابتدای مقدمه کتاب به نکته‌ای تاریخی اشاره کرده و اینکه شاعری مانند خاقانی در قرن ششم خود را با عنصری مقایسه کرده و این خود نشانه‌ای است از اهمیت و جایگاه عنصری: «خاقانی، شاعر فحل و مغرور قرن ششم که به حسان‌العجم معروف بود و محققان و مورخان ادبیات فارسی حتی شاعر بزرگی چون حافظ را هم متأثر از او دانسته‌اند، در قطعه‌ای تعریض‌آمیز خود را با عنصری سنجیده و طبعاً بر وی برتری داده است. اینکه او در داوری خود راجع به عنصری تا چه حد جانب انصاف را رعایت کرده است. البته فعلاً محل بحث نیست. مهم این است که عنصری، یک قرن پس از مرگش، هنوز از چنان شهرت و اقبالی برخوردار بوده که شاعر درجه اولی چون خاقانی هم خود را ناگزیر با او مقایسه می‌کرده و می‌خواسته است برتری‌اش را در قبال او به اثبات رساند. دهقانی می‌گوید در نظر خاقانی، آنچه عنصری را در دوکاته مدح و غزل به شاعری مشهور بدل کرد، در وهله اول نه توانایی ذاتی او بلکه برخورداری‌اش از «معاشیق زیباروی و ممدوحی نیک و ساخوانمند چون محمود غزنوی بوده است». خاقانی در قصاتوشن درباره عنصری، گفته که او «از پایه و مایه والایی» برخوردار نبوده و شهرت و موفقیتش هم حاصل بخت و اقبال بلندش بوده است. بااین‌حال و با وجود این داوری خاقانی، عنصری شاعری است که مورد توجه شاعران و نویسندگان بسیاری بوده و از گذشته او را «سرمشق بی‌بدیل شاعران درباری» به شمار آورده‌اند. در میان معاصران کسی مانند بدیع‌الزمان فروزانفر عنصری را بزرگ‌ترین قصیده‌پرداز و مدح‌سرای قرن پنجم زبان فارسی دانسته است. دهقانی در بخشی از مقدمه‌اش درباره داوری خاقانی و جایگاه عنصری نوشته: «شک نیست که بخش مهمی از طعن و تعریض‌های خاقانی را می‌توان برآمده از خودبزرگ‌بینی‌های معهود وی و مفاخرات و منافسات مرسوم میان شاعران به‌شمار آورد. اما فارغ از این واقعیت مسلم، در این هم نمی‌شود تردید کرد که شعر عنصری، حتی در قیاس با اشعار کسانی چون فرخی و منوچهری، از هیچ تشخص و اصالت ویژه‌ای برخوردار نیست و هنرکار هم‌ردیف آثار دیگر مدیحه‌سرایان و غزل‌پردازان بزرگ ایران تا همان عصر خود اوست. این را هم باید گفت که عنصری خودش، پیش و بیش از هرکس دیگری، عنایت ممدوحان قدرتمندش و حمایت آنها را مایه قوت شعر و اشتهار نام خود دانسته است». دهقانی در مقدمه مفصلش به این نکته هم اشاره می‌کند که «در دیوان» عنصری قصیده‌ای دیده می‌شود که نشان می‌دهد میان او و برخی از شاعران هم‌سلکش رقابت زیادی وجود داشته و قصیده‌ای که عنصری در انتقاد از غضایری رازی سروده و پاسخی که غضایری به او داده مجموعاً حاکی از فضای مسموم و فریب‌آمیزی است که بر شعر دربار آن زمانه حاکم بوده است و شاعران مجبور بودهاند در تملق و چاپلوسی بر یکدیگر پیشی بگیرند. دهقانی می‌گوید از این حیث چندان تفاوتی نباید میان عنصری و غضایری رازی قائل شد. دهقانی معتقد است که عنصری شاعری مدیحه‌گو بود و در کار خود پسند و سلیقه مخاطب خود را مهم‌ترین معیار می‌دانست.

یکی از نکات قابل توجه درباره عنصری، رباعی‌های فلسفی او است که تنها تعداد اندکی از آنها باقی مانده است. دهقانی به تأثیرپذیری خیام از این رباعی‌ها اشاره کرده و این نشان می‌دهد که این سوغ رباعی‌ها پیش از خیام هم وجود داشته است. نکته دیگر درباره عنصری، زبان او در شعرهایش است که اگرچه ویژگی متمایزی ندارد و درواقع همان زبانی است که در آن دوران دیگران هم به کار می‌بردند، اما عنصری این زبان را با دقت و ظرافت بیشتری در شعرهایش به کار برده است.

عنصری
محمد دهقانی
نشر نی

زمینه و زمانه فردوسی

شرق: «سراینده کاخ نظم بلند» عنوان کتابی از مهدی سیدی درباره فردوسی است که در سال ۱۳۷۱ منتشر شده بود و مدتی پیش چاپ دومش پس از سال‌ها با عنوان «پنج گفتار در زمان و زندگانی فردوسی» در نشر نی منتشر شد. سیدی در مقدمه چاپ دوم کتاب به این نکته اشاره کرده که در فاصله طولانی این دو چاپ اتفاقات بسیاری رخ داده که برخی از آنها عبارت‌اند از انتشار «شاهنامه» با تصحیح جلال خالقی‌مطلق، انتشار منابع مهمی درباره فردوسی و از جمله کتاب «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی» از محمدامین ریاحی و نیز تصحیح و چاپ جدیدی از «تاریخ بیهقی» به اهتمام خود سیدی و دکتر باخطی. اینها در کنار نقد و نظرهایی درباره چاپ اول کتاب باعث شده‌اند در چاپ دوم اصلاحاتی اعمال شود. البته در ساختار کلی کتاب تغییری به وجود نیامده. چراکه به قول نویسنده اگر قرار بود پس از گذشت این همه سال تجدیدنظری در کتاب اعمال می‌شد، به طورکلی اثر تازه‌ای باید نوشته می‌شد و به این خاطر در محتوای کتاب تغییری ایجاد نشده است.

کتاب مهدی سیدی درباره فردوسی، شامل پنج گفتار است که در آن به روزگار فردوسی پرداخته شده و از تولد او آغاز می‌کند و سپس به سرودن شاهنامه و حوادث مربوط به آن دوران توجه می‌شود. نویسنده در پیشگفتار کتاب، قرنی را که فردوسی در آن زندگی می‌کرد، یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخ ایران دانسته و درباره آن نوشته: «در آن قرن طلایی و مهم مردم ایران توانستند بعد از ۳۰۰ سال تلاش و تقلا موطن خویش را از زیر سلطه اعراب به درآورند و خود حاکم بر سرنوشت خویش شوند و زبان و فرهنگ نوین فارسی و ایرانی را بنیان نهند؛ اما در همان قرن هم متأسفانه استقلال سیاسی و فرهنگی تازه به‌دست‌آورده را دیگر بار به اقوام کم‌فرهنگ تورانی آسیای میانه، با پیش‌قراولی ترک‌غلامان باختند؛ و آن اقوام از اواخر قرن چهارم تا چند سده بعد حاکم بلامنازع ایران‌زمین گردیدند». او می‌گوید در این وضعیت استثنائی بود که بیشترین سعی و کوشش ملی مردم ایران، اعم از تلاش‌های فرهنگی یا سیاسی، در همان قرن چهارم به عمل آمد که «شاهنامه» فردوسی از مهم‌ترین آن کوشش‌ها بود. بااین‌حال جزئیات تاریخ آن قرن سرنوشت‌ساز مبهم بوده و بالطبع زندگی فردوسی نیز مشمول همین ابهام قرار داشته و این یکی از دلایل نگارش این کتاب بوده است. سیدی نوشته که اگرچه هزار سال از آن دوران می‌گذرد اما کلی‌ترین مسائل زمان و زندگی فردوسی مکتوم یا مغلوط و مبهم مانده است. بااین‌حال سیدی می‌گوید کتابش مدعی تعریف همه ابعاد زندگی فردوسی نیست بلکه تنها پنج گفتار درتوضیح زمان و زندگانی او به‌منظور کشودن چند گره از زندگی شگفت فردوسی است.

هریک از فصل‌های این کتاب مستقل از سایر فصل‌ها نوشته شده‌اند و تنها به موضوعی مربوط‌اند که در همان فصل طرح شده است. فصل اول کتاب همان‌طورکه اشاره شد به تولد فردوسی و روزگار او مربوط است. گفتار بعدی، «مهتر حامیان فردوسی»، به معرفی اولین حامی شاعر که خود فردوسی او را مهتر گردن‌فراز نامیده است می‌پردازد. «فردوسی و سلطان محمود» گفتار بعدی کتاب است که به رابطه فردوسی و سلطان غزنوی مربوط است. «دلاور سپهدار طوس» گفتار دیگری است که به شرح حال و رابطه ارسلان جاذب، والی و سپهدار زاداگاه شاعر در زمان سلطنت محمود، با فردوسی اختصاص دارد که بعضی مسائل فرعی اما مهم نظیر رخنه ترکمانان به ایران و جدال ارسلان و محمود بر سر آن را هم شرح می‌دهد. گفتار پایانی کتاب با عنوان «گرگ پیر» نیز به شرح حال احمد حسن میمندی وزیر مشهور سلطان محمود و رابطه او با فردوسی مربوط است در بخشی از گفتار اول کتاب درباره روزگار فردوسی آمده: «قرنی که فردوسی در آن می‌زیست یکی از ادوار نادر همه تاریخ ۱۴۰۰ ساله پس از اسلام ایران ما، و بی‌تردید قرن طلایی و سرآمد همه آن قرن است. چون برای اولین‌بار در این قرن بود که پس از سیصد سال تقلا و مبارزه مردم ایران با سلطه خلفای عرب، بالاخره ایران استقلال سیاسی و فرهنگی یافت و حاکم بر سرنوشت خود شد. که متأسفانه تا قرن دهم و ظهور صفویه آخرین‌بار هم بود. در نتیجه، دیگر بخشی از ثروت و درآمد ملی مردم ما به‌عنوان باج و خراج و جزیه و هدیه به خارج از ایران -مثلا به یغداد یا قراقروم- نرفت، و صرف آبادانی و رفاه عمومی داخلی شد. در نتیجه کشت و زرع انواع حرف و تجارت و... رونق و شکوفایی یافت. در پی آن هم فراغت خاطر و امنیتی نسبی اما جالب توجه فراهم آمد و ادبیات سلیم و سرخوش فارسی که مبین شادکامی و شادخواری بود نشئت گرفت».

پنج گفتار در زمان و زندگانی فردوسی
مهدی سیدی
نشر نی

بازیابی گذشته

شرق: جنگ تنها آدم‌ها و مکان‌ها را از بین نمی‌برد؛ بلکه زندگی و روابط آنهایی را که از جنگ جان سالم به در برده‌اند هم بحرانی می‌کند. بخش مهمی از داستان‌هایی که به جنگ مربوط‌اند، به همین بحران انسانی پس از جنگ پرداخته‌اند. «منظومه‌ای از پدیده‌های حیاتی» اثر آنتونی مارا، ازجمله آثاری است که به سرنوشت آنهایی که پس از جنگ زنده مانده‌اند، پرداخته است. رمان با این سطور آغاز می‌شود: «صبح فردای شبی که فدها خانه خود را سوزاندند و پدرش را بردند، خود را از خواب شقایق‌های دریایی بیدار شد. همان موقع که لباس می‌پوشید، احمد که تمام شب را نخوابیده بود، از اتاق خواب بیرون آمد، به تماشای آسمان ایستاد که در آن سوی پنجره روشن می‌شد؛ تا به حال نشده بود که احمد با دیدن آفتاب سرخگاه احساس کند دیوش شده. وقتی دختر از اتاق خواب بیرون زد، از دختر هشت‌ساله سابق بزرگ‌تر می‌نمود؛ احمد دختر را گرفت و دختر به دنبالش از در بیرون رفت. احمد دختر را تا وسط خیابان برده بود که سر بلند کرد و به چیزی که زمانی خانه دختر بود، نگاه کرد. گفت: حوا، بایید بروم؛ اما هیچ‌کدام از جای‌شان جنب نخوردند». «منظومه‌ای از پدیده‌های حیاتی» مدتی پیش با ترجمه فرزانه قوجلو و محمدرضا جعفری در نشر نو منتشر شد.

در این رمان با ماجراهای دهکده‌ای دورافتاده در چین در آخرین روزهای دسامبر ۲۰۰۴ روبه‌رو می‌شویم. جنگ وضعیت دهکده و زندگی آدم‌هایش را به حالت بحرانی درآورده است. حوا، دختربچه‌ای هشت‌ساله است که در جنگل پناه گرفته است. او شاهد بحرانی است که در کنارش در حال وقوع است. سربازان روس پدرش را می‌برند و خانه‌شان را به آتش می‌کشند. احمد، همسایه و دوست قدیمی پدرش است که حوا را با خود می‌برد. آنها به بیمارستان بیماران شده‌ای پناه می‌برند که تنها یک پزشک برایش باقی مانده و او به زخمی‌ها و مجروحان جنگ داخلی رسیدگی می‌کند. آدم‌هایی که زندگی‌شان با جنگ به هم ریخته و بحرانی شده. در طول پنج روز نقلی به گذشته‌های سن‌ها می‌زنند و با مرور خاطرات‌شان اسراری را فاش و مرور می‌کنند که زندگی آنها را به هم پیوند زده است. زندگی آدم‌های این رمان، با بحران جنگ دچار شده و سرگذشت شخصی هرکدام از آنها قطعه‌ای از کلیت روایت است. آنها را مرور گذشته می‌خواهد آنچه را که از دست رفته، بازیابند.

آنتونی مارا از نویسندگان معاصر آمریکایی است که در سال ۱۹۸۲ در واشنگتن متولد شده است. او نویسنده‌ای است که برای آثار مختلفش جوایز گوناگونی کسب کرده و همین رمانی که اخیراً او به فارسی ترجمه شده، نیز جوایزی به دست آورده است. آنتونی مارا نویسنده‌ای است که در سراسر اروپای شرقی تحصیل و زندگی و سفر کرده و اکنون در کالیفرنیا زندگی می‌کند.

منظومه‌ای از پدیده‌های حیاتی
آنتونی مارا
ترجمه فرزانه قوجلو، محمدرضا جعفری
نشر نو

نگاهی دیگر به آلن‌پو

شرق: ادگار آلن‌پو، داستان‌نویس، شاعر و منتقد ادبی مشهور آمریکایی است که شهرتش بیش از هر چیز به واسطه نوشتن داستان‌های کوتاهی است که به‌عنوان نخستین داستان‌های زائر ادبیات پلیسی شناخته می‌شوند. آلن‌پو با نوشتن داستان «قتل‌های کوچه مورگ» در سال ۱۸۴۱ زائر ادبیات پلیسی یا معمایی-جنایی را بنیان گذاشت و روایت کارآگاهی مدرن را برای اولین‌بار پایه گذاشت. یوسونار این داستان، شوالیه دوپن، هنوز هم از چهره‌های اسطوره‌ای این زائر به شمار می‌رود. شوالیه دوپن به جز این داستان، تنها در دو داستان دیگر آلن‌پو با نام‌های «معمای ماری روژه» و «نامه ربوده‌شده» حضور دارد؛ اما همین سه داستان، پایه‌گذار زائری جدید در ادبیات بودند‌اند و تأثیر زیادی بر گونه‌های فرعی ادبیات پلیسی بعد از خود گذاشته‌اند. آلن‌پو از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان و شاعران قرن‌نوزدهمی آمریکا است که در سال ۱۸۰۹ در بوستون متولد شد و امروز به‌عنوان نویسنده‌ای شاخص در ادبیات جهانی شناخته می‌شود. پو در جوانی با مشکلات مالی متعددی روبه‌رو بود و ضمنا شعرهایی که در آن دوره منتشر می‌کرد، با استقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شد و او در ابتدا برای به‌دست‌آوردن موفقیت مالی بهتر به داستان‌نویسی روی آورد. چاپ داستان‌هایی از او باعث شد تا او در مجله‌ای شروع به فعالیت کند و بعد از مدتی تا سمت سردبیری مجله پیش رفت و کم‌کم به شهرت رسید. پو نظریاتی مخصوص به خود در باب شعر و داستان داشت و براین‌اساس نقدهای تندی درباره آثار ادبی نویسندگان دیگر منتشر می‌کرد که این موضوع باعث می‌شد او مخالفان زیادی پیدا کند؛ بااین‌حال بسیاری از داستان‌های مشهور پو در مجلات مختلفی که او در آنها کار می‌کرد، منتشر شدند؛ ازجمله داستان «قتل‌های کوچه مورگ». تنوع و گونه‌گونی آثار آلن‌پو زیاد است و از این نظر داستان‌ها و شعرهای او را می‌توان براساس نظریات مختلف مورد بررسی قرار داد یا از سویی دیگر تأثیرات او را در جریان‌های مختلف ادبی دید. پو از سال‌ها پیش در ایران هم شناخته می‌شد و از برخی داستان‌های او ترجمه‌های متعددی در سال‌های مختلف منتشر شده است. به‌تازگی هم کتابی درباره زندگی پو با عنوان «پو؛ مردی که هرگز نخندید» از پیتر آکروید و با ترجمه شهاب شکروی در نشر آفتابکاران منتشر شده است. عنوان فرعی این کتاب، «نگاهی متفاوت به زندگی ادگار آلن‌پو» است و شخصیت و زندگی پو را با دیدی تاریخی-اجتماعی بررسی کرده است. کتاب در بخش‌های مختلف زندگی آلن‌پو را شرح داده و البته در آغاز با مرگ آلن‌پو و ابهام‌های مربوط به آن شروع شده است. نویسنده می‌گوید زندگی پو مثل داستان‌ها و نوشته‌هایش ناگهانی و مبهم به پایان رسید. زندگی او مرز و رازنج‌آوری داشت که هنوز حل‌نشده باقی مانده‌اند. نویسنده کتاب به این نکته اشاره می‌کند که آلن‌پو از آغاز زندگی‌اش با مسائل زیادی روبه‌رو بود: «ادگار آلن‌پو، شخصیتی سرگشته با روحی درهم‌شکسته به نماد شاعر مطرود بدل شد. او سرنوشت خوبی نداشت. زندگی‌اش هرچه بود، تحمل‌ناپذیر بود. از زمانی که متولد شد، باران مصیبت‌ها بر سرش باریدن گرفت. او در جایی گفته بود: یکی از ساده‌ترین کارها برای ایجاد تحول فراگیر در افکار مردم دنیا نوشتن و انتشار کتاب‌های خیلی کوچک است. عنوان آنها باید ساده باشد، چند کلمه معمولی، و مثلا وجود درهم‌شکسته من. اما همین کتاب کوچک باید به‌خوبی بیانگر عنوانش باشد. اگرچه پو هرگز چنین کتابی ننوشت، زندگی‌اش واقعا درخور این عنوان بود. رنج ناشی از اضطراب‌های پایان‌ناپذیر و حسرت‌های همیشگی خیلی زود در زندگی او ریشه دوانده. پیش از آنکه پو متولد شود، مادرش به بیماری سل مبتلا شده بود و احتمالا او در شکم مادرش با نارسایی غذایی روبه‌رو بوده است. نویسنده کتاب می‌گوید صحنه‌هایی از فضاهای بسته و تنگ که قربانی در آن دراز کشیده و به‌سختی نفس می‌کشد، نقش عمده‌ای در داستان‌های پو ایفا می‌کند. از سوی دیگر، خانواده او با فقر زیادی روبه‌رو بودند و فشارهای عصبی ناشی از آن از همان آغاز تولد بر روی پو وجود داشته است؛ چراکه خانواده او با تنش‌ها و بحران‌های روحی مواجه بودند. در کتاب درباره پو تولد پو آمده: «پو در یک روز سرد زمستانی، نوزدهم ژانویه سال ۱۸۰۹، در مهمانخانه‌ای قدیمی در بوستون به دنیا آمد. آن روز توفان یخ‌های شناور را به بندرگاه بوستون آورده بود. گزارش‌هایی که بعدها منتشر شد، حاکی از آن است که پو سال تولدش را تغییر داده بود. گویا تمایلی به بادآوری آن روز نداشته. پدر و مادرش بازیگران تئاتر دوره‌دوری بودند که اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم، تنها می‌توان گفت شرایط‌شان کمی بهتر از آوارگی و خانه‌به‌دوشی بود. آنها نام فرزندشان را از آقای ادگار گرفته بودند. مدیر گروه بازیگرانی که خانواده پو در آن مشغول به کار بودند. برخی از هم‌دوره‌ای‌های پو به این نکته اشاره کرده‌اند که رفتارهای او در سنین بالاتر بسیار متأثر از دنیای تئاتر و نمایش بوده».

پو مردی که هرگز نخندید
پیتر آکروید
ترجمه شهاب شکروی
نشر آفتابکاران

ایبسن و استعاره عروسک

شرق: هنریک ایبسن از قله‌های کلاسیک ادبیات نمایشی جهان است و جایگاهی یگانه دارد. او پس از شکسپیر پرمخاطب‌ترین نمایش‌نامه‌نویس جهان به شمار می‌رود و تأثیرش بر تئاتر و ادبیات مدرن نیز آشکار است. اگرچه اولین ترجمه‌های فارسی از آثار ایبسن به بیش از شش دهه پیش بر می‌گردد و از آن زمان تاکنون مترجمان مختلفی به سراغ ترجمه آثار او رفته‌اند؛ اما با این‌حال هنوز بخش مهمی از آثار ایبسن به فارسی ترجمه نشده‌اند. ایبسن نویسنده برکاری بود و در طول دوره‌های مختلف نویسندگی‌اش آثار متعددی منتشر کرد.

بهراد قادری، که شناخت بسیار خوبی از ایبسن و آثارش دارد، از سال‌ها پیش ترجمه‌هایی از او به فارسی منتشر کرده بود. او در سه، چهار سال اخیر ترجمه‌های قدیمی و تازه‌اش از ایبسن را در قالب مجموعه‌ای در نشر بیدگل منتشر کرده و یکی از کتاب‌های این مجموعه، نمایش‌نامه «عروسک‌خانه» است که چاپ تازه‌ای از آن اخیراً منتشر شده است.

«عروسک‌خانه» را می‌توان مهم‌ترین نمایش‌نامه ایبسن دانست. نمایش‌نامه‌ای که درباره سرنوشت زنی به نام نورا است که علیه وضعیتی که در آن گرفتار شده طغیان می‌کند. «عروسک‌خانه» چیزی حدود ۱۵۰ سال پیش منتشر شد و از آن زمان تا امروز نزدیک به چهار هزار بار اجراهایی از آن به روی صحنه رفته است.

«عروسک‌خانه» متنی مهم در میان تمام تلاش‌هایی به شمار می‌رود که از اواخر قرن نوزدهم برای احقاق حقوق زنان در جریان بوده است. این نمایش‌نامه در زمان خودش و هنگام اولین اجرایش در سال ۱۸۷۹، برای مخاطبانش تجربه‌ای شوک‌آور بود چراکه در پایان نمایش‌نامه، نورا شوهر و خانواده‌اش را رها می‌کند و می‌رود. اگرچه این پرسش همچنان باقی است که آیا ترک‌کردن خانه توسط نورا به رهایی او در جامعه‌اش می‌انجامد یا نه، اما با این‌حال روایت ایبسن در این نمایش‌نامه اهمیتی غیرقابل انکار دارد. قادری در مقدمه‌اش اشاره می‌کند که از میان پانزده هزار اجرای ثبت‌شده از مجموعه آثار ایبسن، ۳۷۸۷ مورد به «عروسک‌خانه» تعلق دارد و «این نشان می‌دهد که فرهنگ‌های مختلف، دست‌کم ۸۷ تای آن، در دنیا معجزه را در افق بالندگی انسان نسبت به دو جنبست دور از دسترس نمی‌دانند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند؛ ایران نیز با اجراهای متفاوت، ترجمه/بازترجمه و اقتباس سینمایی از این اثر نشان داده است که این معجزه اجتماعی را باور دارد».

یکی از ویژگی‌های ترجمه‌های قادری از آثار ایبسن، مقدمه‌های مفصلی است که او درباره هر اثر و نیز جهان نمایشی ایبسن نوشته و در آنها به وجوه مختلف هنری و فلسفی نمایش‌نامه‌ها، زمینه تاریخی‌شان، ارتباطات بینامتنی آنها و... پرداخته است. قادری در مقدمه خواندنی‌اش در «عروسک‌خانه»، درباره نقش نورا در خانه پدری و خانه شوهر به درستی نوشته که «عروسک‌خانه جایگاه مشتی عروسک است. نورا در ریشه‌یابی عروسک‌بودنش به آموزش خودش در خانه پدری و بعد در خانه ازدواج اشاره می‌کند: کذر از ملوسک (فرزند دختر) بودن در خانه پدری به عروسک (همسر) بودن در خانه نوروالد هلمر». قادری به نکته‌ای ظریف نیز اشاره می‌کند و آن اینکه نوروالد نیز کمتر از نورا عروسک نیست و ذهن و زبان او ساخته «فرهنگی زنینه‌محور» است به عبارتی، مناسبات اجتماعی مسلط در زمانه‌ای که «عروسک‌خانه» به آن تعلق دارد، فراتر از اراده و خواست فردی آدم‌ها در جریان است.

در «عروسک‌خانه»، نورا می‌خواهد از نقش زنی وابسته و صغیر، به زنی دیگر و خودمتکی بدل شود اما این توهمی ذهنی است که هیچ پایه‌ای در واقعیت ندارد و به بدترین شکل ممکن هم شکست می‌خورد. در روایت ایدئالیستی نمایش‌نامه، همه‌چیز در سه روز و در ایام کریسمس اتفاق می‌افتد. نورا در حال تدارک یک جشن خانوادگی سنتی و مسیحی است و در همین حین است که زندگی خانوادگی‌اش دچار تغییر و تحولات عجیبی می‌شود و رازش برملا می‌شود و نظم زندگی‌اش به هم می‌ریزد. نورا برای حفظ جان شوهرش و به عبارتی حفظ خانواده‌اش یک بار از عروسک‌بودن تخطی کرده اما همان یک بار موجب نابودی خود و بنیاد خانواده‌اش می‌شود و شوهرش بی‌اینکه به نیت و قصد نورا فکر کند، او را محکوم می‌کند. برای ایبسن، برمبایه یا استعاره عروسک مفهومی تکرارشونده است و می‌توان در آثار دیگر او نیز این برمبایه را دید. قادری با اشاره به این نکته می‌نویسد که: «مقیاس‌های ایبسن برای استفاده از برمبایه عروسک بسیار گسترده و کلان است. به همین دلیل عروسک‌خانه تنها ماجرای عروسک‌بودن نورا نیست؛ اینجا ایبسن به عمق یک معضل اجتماعی اشاره می‌کند و از فرهنگ عروسک‌پرور سخن می‌گوید؛ بنابراین، او در این اثر به خواننده و بیننده امان نمی‌دهد که از عروسک‌شدن همگانی در تاریخ، از هر جنسیتی، و لزوم بازنگری در پندارهایشان غافل بمانند».

خانه عروسک
هنریک ایبسن
چاپ سوم
نشر بیدگل